

به یاد او که فسیلانه شد

به مناسبت ۳۶-مین سالگرد شهادت
خسرو روزبه، قهرمان ملی
و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

"... از آنجا که همه پدیده های جهان در حال توسعه و گسترش و تغییر و تکامل است از آنجا که از الکترون گرفته تا منظومه شمسی و کهکشان ها در حرکت دائم و تغییر و تبدیل روز افزون هستند ... بنابراین ادعای کسانی که می گویند اصول سلطنت ریشه دراز تاریخی دارد و به همین جهت ضرورتاً باید تا ابد برقرار بماند، با هیچیک از تئوری های علمی و فلسفی

ادامه در ص ۷



شماره ۲۸، دوره هشتم
سال دهم، ۳ خرداد ۱۳۷۳

حزب توده ایران دستگیری سعیدی سیرجانی، محمد حسین ختنی و نیازی کرمانی را شدیداً محکوم می کند و خواستار آزادی بدون قید و شرط آنان است

بر اساس گزارش های مندرج در روزنامه های مجاز تهران سعیدی سیرجانی نویسنده، و محقق ایرانی دستگیر و زندانی شده است. مقامات امنیتی ایران، از زبان روزنامه «کیهان» خبر دادند که سعیدی سیرجانی به جرم «حمل تریاک» دستگیر شده است و او را متهم ساختند که از «حقوق بگیران کشورهای خارجی» بوده است. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، موسوی نژاد از مقام های امنیتی رژیم اعلام کرد سعیدی سیرجانی به تمامی جرائم خود نیز «اعتراف» کرده است. همچنین بر اساس گزارش هایی که از سوی حزب ملت ایران انتشار یافت، محمد حسین ختنی از بازاریان مخالف رژیم و آقای نیازی کرمانی نیز در هفته های اخیر دستگیر و روانه زندان گردیده اند.

ادامه در ص ۴

به مناسبت یکصد و هفتاد و ششمین سالروز تولد کارل مارکس، آموزگار بزرگ زحمتکشان

آموزشی که جهان ما را دگرگون کرد

ص ۳

اعتصاب های دانشجویی دانشگاههای ایران را فرا می گیرد

ص ۲

نامه رفیق علی خاوری به دبیرکل سازمان ملل متحد

ص ۷

ائتلاف چگونه و به چه منظوری؟

میهن ما دوران حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذرانند. بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی، گرانی وحشتناک، فقر، محرومیت، بیکاری، استبداد، اختناق، ظلم و بی قانونی حاکم بر دستگاه های اجرایی رژیم جمهوری اسلامی پیدای می کند و زندگی را برای میلیون ها انسان شرافتمند و زحمتکش به جهنم مرکبای که تحمل آن دیگر ممکن نیست، بدل کرده است. سران خیانتکار جمهوری اسلامی که زمانی دم از "دست های پینه بسته" زحمتکشان می زدند و خود را مدافع حقوق "مستضعفان" معرفی می کردند، به دور از همه این مشکلات طاقت فرسا و کمر شکن و در ناز و نعمت ثروت های افسانه ای که چپاول کرده اند، با اتکا به نیروهای مزدور و جنایتکار به حکومت ضد مردمی خود ادامه می دهند.

تشدید اختناق، دستگیری، شکنجه و اعدام دکراندیشان، ربودن مخالفان و قتل آنان مانند گروه های مرگ حکومت های دیکتاتوری کشورهای آمریکای لاتین، سرکوب خونین اعتراض های کارگری، دانشجویی و یورش مسلحانه برای سرکوب مبارزات خلق های ایران پاسخ رژیم به رشد روز افزون ناراضیاتی ها و بحرانی است که جامعه ما را در خود فرو برده است. کارنامه پانزده سال حاکمیت جمهوری اسلامی نشانگر این واقعیت است که سران این رژیم برای انسان ها، حقوق انسانی، انسانیت و خواست و آرا اکثریت مردم کشور ما کوچکترین احترامی قایل نیستند و حاضرند با به خون کشیدن هزاران انسان بیگناه با دروغگویی و فریب و با اتکا به هر حربه ای، هر چند غیر انسانی و ضد مردمی، کشور ما را تا سرحد نابودی کامل سوق دهند.

واقعیت غیر قابل انکار این است که اکثریت عظیم مردم جامعه ما خواهان تغییر اوضاع و عوض شدن شرایط کنونی هستند. حتی نیروهایی که امیدوار بودند بخشی از حاکمیت به رهبری رفسنجانی، با اعمال یک سری سیاست های "لیبرالی" شرایط را در جامعه ما عوض کند، امروز به این نتیجه رسیده اند که مجموعه این حاکمیت نه توان انجام این دگرگونی را دارد و نه خواست آن را. تنها راهی که می توان از آن طریق شرایط جامعه را تغییر داد، تشدید مبارزه همه جانبه با کل نظام جابر حاکم بر میهن ماست.

اینک، امر تدارک چنین مبارزه ای به روشنی در دستور روز جامعه ما قرار گرفته است. امروز شرایط اجتماعی - اقتصادی در جامعه ما حادث از شرایط

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

ائتلاف چگونه و ...

ایران پیش از انقلاب بهمن ۵۷ است و سران رژیم هراسناک از تکرار تجربه بهمن در تلاش هستند تا با تشدید جو اختناق و سرکوب، جلوی يك انفجار قریب الوقوع اجتماعی را سد کنند. امروز این درک که زمان عمل فرا رسیده است بیش از هر زمان دیگری در جامعه ما رشد کرده است. مردم دیگر چیزی جز دردها، فشارهای طاقت فرسا، و در انتها زنجیرهایی که این رژیم به دست و پاهایشان زده است، برای از دست دادن ندارند، و لذا آمادگی برای مبارزه و برخورد با استبداد بیش از پیش تقویت می شود. بسیاری از نیروهای مترقی و آزادیخواه در درون کشور، از نیروهای ملی تا نیروهای طرفدار سوسیالیسم، با درک چنین شرایطی است که بیش از گذشته از ضرورت اتحاد عمل و مبارزه در راه آزادی و دموکراسی سخن می گویند. فراخوان برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، نامه سرکشاده اعتراضی گروه بزرگی از نویسندگان و هنرمندان کشور به رئیس قوه قضائیه، برای آزادی سعیدی سیرجانی، و موج بزرگ همبستگی با مبارزات دانشجویان کشور در اعتراض به قتل فجیع زهره ایزدی توسط ارکان های سرکوب جمهوری اسلامی، نشانه های امیدوار کننده ای از درک ضرورت اتحاد عمل و رسیدن به يك ائتلاف بزرگ است. باید هرچه سریع تر و قبل از آنکه رژیم فرصت یابد تا با جداکردن نیروها، آنان را سرکوب و شعله های اوج کیرنده اعتراض را خاموش کند، پایه های يك ائتلاف بزرگ را برای پایان دادن به استبداد کنونی و استقرار دموکراسی ایجاد کرد. امروز به کمان ما همه نیروهایی که به آزادی میهن و نجات مردم از ظلم و بیعدالتی می اندیشند باید با کنار گذاشتن منافع کوتاه مدت "سازمانی - فرقه ای" به پی ریزی این ائتلاف بزرگ همت گمارند. درعین حال تجربه انقلاب بهمن

۵۷ به ما می آموزد که ائتلاف وسیع نیروها، اگر بدون هدف های مشخص و قابل قبول برای همه نیروهای شرکت کننده در ائتلاف نباشد، نمی تواند از عهده وظیفه تاریخی خود که قاعدتا می بایست استقرار آزادی در کشور باشد برآید. صرفاً نفی و ناپودی يك حکومت استبدادی نمی تواند پاسخگوی مشکلات انبوه و عظیمی باشد که پیش روی جامعه ما قرار دارد. هستند نیروهایی که دم از دموکراسی و آزادی می زنند و در عین حال از هم اکنون برای مردم میهن ما رئیس کشور، رئیس و هیئت دولت نیز تعیین کرده اند. به کمان ما، دیگر نباید زیر هیچگونه شرایطی، اجازه داد تا يك نیروی سیاسی با قبضه انحصاری قدرت، بتواند مردم ما را از آزادی و دموکراسی محروم کند. ائتلاف به خاطر ائتلاف هیچ دردی را از مردم کشور ما دوا نخواهد کرد. بر این اساس بود که حزب ما پیشنهاد "منشور آزادی" را به مثابه کارپایه برای ایجاد يك ائتلاف وسیع، مردمی و در عین حال دموکراتیک اعلام کرد. ما در "منشور آزادی" صریحاً اعلام کردیم که بر اساس تجربه تاریخی موجود در میهن ما، مبارزه در راه تحقق بدون قید و شرط آزادی های فردی، سیاسی و اجتماعی یکی از پیش شرط های اساسی برای رسیدن به يك ائتلاف وسیع مردمی است. ما عمیقاً معتقدیم که نمی بایست نیرو و توان احزاب و سازمان های سیاسی از هم اکنون صرف "ترکیب" و ساختار آتی حکومت بشود. ما در عین حال معتقدیم که جنبش عظیم توده های مردم میهن ما در بهمن ۵۷ و پیروزی انقلاب يك انتخاب تاریخی آگاهانه بود که نفی آن ممکن نیست.

جهان در چند روز گذشته شاهد یکی از موفق ترین تجربه ها در عرصه اتحاد عمل و ائتلاف بود. مردم آفریقای جنوبی از سفید تا سیاه و از کمونیست تا کشیش کلیسا، دست در دست هم پیروزی بزرگ

عدالت و آزادی را بر استبداد و نظام ضد بشری نژاد پرستی جشن گرفتند. این تجربه بزرگ چه در عرصه مبارزه داخلی که در اتحاد عمل آهنگین اکثریت مردم حول شعارهای آزادیخواهانه تبلور یافت و چه در عرصه خارجی که در شکل ایجاد يك جنبش وسیع همبستگی بین المللی در سراسر جهان با این مبارزات عمل کرد، درس گرانبهایی است که می بایستی آن را فرا گرفت و اصول آن را به کار برد.

باید از آزمون دردناک تفرقه نیروها که انقلاب بهمن را به شکست کشاند و چنین فاجعه ای را برای کشور ما پدید آورند، درسهای لازم را فرا گیریم.

حزب توده ایران در این شرایط حساس و تاریخی همه نیروهای آزادیخواه و مترقی میهن را به اتحاد عمل و یکپارگی فرا می خواند. مبارزه در راه استقرار بدون قید و شرط آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی، مبارزه در راه پایان دادن به فعالیت ارکان های سرکوب و جنایت رژیم، مبارزه در راه آزادی کلیه زندانیان سیاسی، و مهم تر از همه مبارزه علیه فقر، محرومیت، بیعدالتی و بی قانونی حاکم، به کمان ما در بر کیرنده خواست اکثریت مردم ما و نیروهای مترقی و آزادیخواه است و می تواند سنگپایه ایجاد يك ائتلاف وسیع، مردمی و نجات بخش برای کشور ما باشد. حزب توده ایران بار دیگر آمادگی خود را برای همکاری و هماهنگی با همه آزادیخواهان میهنان اعلام می کند و تمام توان خود را در این راه به کارخواهد گرفت. ما معتقدیم که می توان از طریق سازماندهی يك نشست بزرگ تاریخی که نیروهای آزادیخواه و میهن دوست کشورمان را در بر گیرد، راه را برای مذاکره پیرامون ائتلاف، اهداف آن و چگونگی تحقق این امر حیاتی و سرنوشت ساز هموار ساخت.

اعتصاب های دانشجویی ...

بر اساس گزارش هایی که از ایران می رسد، در پی ربودن، شکنجه و قتل يك دانشجوی مبارز به نام زهره ایزدی، اعتصاب های دانشجویی تعدادی از دانشگاه های کشور را فرا گرفت. بر اساس همین گزارش ها، زهره ایزدی دانشجوی ۲۵ ساله، اهل آباده و دانشجوی سال سوم رشته کاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی تهران و یکی از سازماندهندگان تظاهرات اخیر دانشجویی در خوابگاه دانشگاه بود. نامبرده روز پنجشنبه پانزدهم اردیبهشت ماه از خوابگاه دانشگاه ربوده شد و روز بعد جسد او با دستان شکسته و آثار شکنجه در نقاط مختلف بدن در نزدیکی خوابگاه پیدا شد.

به دنبال پخش خبر این جنایت وحشتناک در دانشگاه پزشکی و سایر دانشگاه های کشور، موجی از اعتراض و انزجار دانشگاه های کشور را فرا گرفت. روزنامه "سلام" در صفحه حوادث خود با عنوان "مرگ مشکوک

يك دانشجو در خوابگاه دختران دانشگاه علوم پزشکی" نوشت: "بدنبال مرگ مشکوک يك دانشجو که پنجشنبه گذشته در محل خوابگاه شماره ۲ دختران دانشگاه علوم پزشکی بهشتی بوقوع پیوست، تعدادی از دانشجویان دختر این دانشگاه ... در محوطه دانشگاه علوم پزشکی دست به تحصن زدند...". بر اساس گزارش های رسیده دانشجویان در اعلامیه هایی که در اعتراض به این عمل جنایتکارانه پخش کردند، خواستار پاسخ فوری مسئولان دانشگاه شدند. بر اساس همین گزارش ها، مسئولان دانشگاه در ابتدای امر، هراسناک از پخش این خبر علت مرگ زهره ایزدی را خودکشی اعلام کردند، ولی با بالا گرفتن موج اعتراض، روشن شدن علت مرگ به پزشکی قانونی تهران ارجاع گردید.

از شهرهای مختلف همچنین خبر رسید که موجی از همبستگی برخی دیگر از دانشگاه های کشور را نیز فرا گرفت و ماموران امنیتی رژیم برای خاموش کردن این موج رشد یابنده اعتراض و اعتصاب به دانشگاه های کشور روانه شدند.

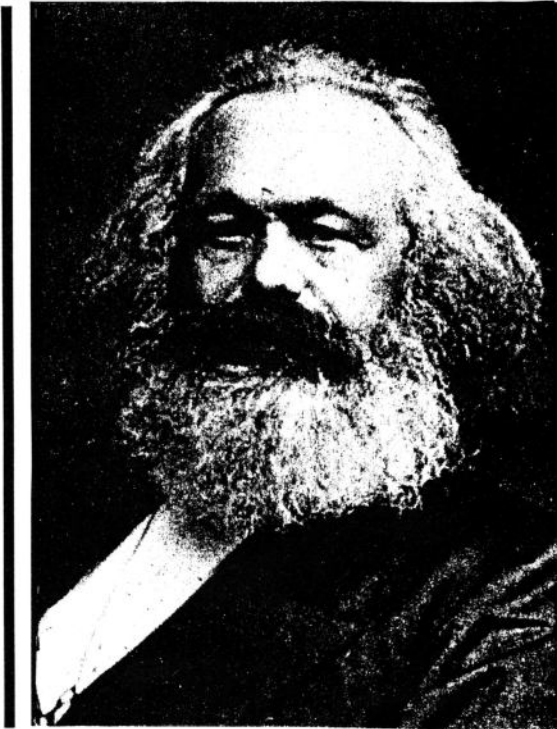
دانشگاه های کشور همواره یکی از مراکز استوار مبارزه علیه ارتجاع و استبداد در کشور ما بوده اند. رژیم جمهوری اسلامی با علم به این موضوع در تمامی پانزده سال گذشته همواره تلاش کرده است تا به طرق مختلف، از "انقلاب فرهنگی" تا پاکسازی، اخراج، شکنجه و قتل دانشجویان مترقی، فضای مبارزه در دانشگاه های کشور را نابود کند.

حزب توده ایران این جنایت هولناک ماموران جمهوری اسلامی را که به شیوه گروه های مرگ کشورهای دیکتاتوری آمریکای لاتین سازماندهی و اجرا گردیده است، بشدت محکوم می کند و همبستگی رزمجویانه خود را با اعتصاب های دانشجویی، دانشجویان پزشکی دانشگاه بهشتی و سایر دانشگاه های کشور اعلام می دارد.

ایجاد يك کارزار وسیع همبستگی در سراسر جهان با این حرکت دلیرانه، وظیفه درنگ ناپذیر همه نیروهای مترقی و آزادیخواه و از جمله اعضاء و هواداران حزب توده ایران است.

آموزشی که جهان ما را دگرگون کرد

به مناسبت یکصد و هفتاد و ششمین سالروز تولد کارل مارکس، آموزگار بزرگ زحمتکشانشان



... ویژگیهای نابغه اندیشمند که موجب دگرگونی ژرف در علوم اجتماعی گردید، همراه با ویژگیهای پیکارگر خستگی ناپذیر انسانی انقلابی که جنبش کارگری را به نیروی توانمند پیشرفت اجتماعی مبدل می ساخت در شخصیت بزرگ کارل مارکس درهم آمیخته بود.

کارل مارکس در زمینه فلسفی و در زمینه اقتصاد سیاسی و تعریف و توضیح قوانین حاکم بر جامعه سرمایه داری، به سلاح پر قدرتی در دست مبارزان آزادی بدل گردید و چهره جهان معاصر را به کلی دگرگون کرد. اندیشه برابری انسان و ضرورت پایان دادن به استثمار فرد از فرد نیروی عظیمی را در جهان آزاد کرد و میلیون ها انسان آزاده را به گرد این اندیشه های والا

۱۱ اردیبهشت ماه سال جاری مصادف است با یکصد و هفتاد و ششمین سالروز تولد کارل مارکس، اندیشمند، فیلسوف و آموزگار بزرگ زحمتکشانشان. در تاریخ معاصر جامعه بشری کمتر کسی را می توان یافت که چنین تاثیر شگرفی در سرنوشت بشریت برجای گذارده باشد و جهان ما را چنین دگرگون کرده باشد. با مارکس فلسفه معاصر گام تعیین کننده ای در راه تکامل خود نهاد، ماتریالیسم از بندهای مکانیکی و متافیزیکی رها شد و با دیالکتیکی علمی، به مثابه علم شناخت هستی و نه آنگونه که هگل آنرا در چارچوبی غیر پیگیر و ایده آلیستی بیان می کرد، در هم آمیخت. مارکس با درایت ویژه ای ماتریالیسم فلسفی را بسط و تعمیم داد. ماتریالیسم تاریخی مارکس نه تنها به ناپیگیری ها و کز اندیشی ها پیرامون رشد و تکامل جوامع بشری نقطه پایان نهاد، بلکه نشان داد که چگونه نظام های اجتماعی در اثر رشد نیروهای مولده از یک صورتبندی به صورتبندی عالیتری تکامل پیدا می کنند. ویژگیهای نابغه اندیشمند که موجب دگرگونی ژرف در علوم اجتماعی گردید، همراه با ویژگیهای پیکارگر خستگی ناپذیر انسانی انقلابی که جنبش کارگری را به نیروی توانمند پیشرفت اجتماعی مبدل می ساخت در شخصیت بزرگ کارل مارکس درهم آمیخته بود. مقوله "صورتبندی" (فرماسیون) اجتماعی - اقتصادی که یکی از مفاهیم کلیدی ماتریالیسم تاریخی مارکسیسم را تشکیل می دهد، گام مهمی در بررسی علمی تاریخ بشری، و سنگ بنای درک مادی تاریخ است که به کمک آن می توان خصلت قانونمند روندهای تاریخی را درک کرد. لنین درباره خدمات مارکس و یار همزم او انگلس می گوید: "خدمات مارکس و انگلس را در قبال طبقه کارگر به اختصار می توان چنین بیان کرد: آنها خود شناسی و خود آگاهی را به طبقه کارگر یاد دادند و علم را جایگزین تحلیل ساختند." سرمایه عظیم فکری

بسیج کرد. این اندیشه ها و آموزش جهان بینی مارکسیسم همچنان در کلی ترین خطوط اصالت و درستی خود راحفظ کرده است و حرکت جامعه بشری، با تمامی فراز و نشیب ها، شکست ها و پیروزی ها به سمت تکامل و به سمت ایجاد جامعه ای رها از بندهای استثمار و ستم سرمایه داری ادامه می یابد. بسیاری از نظریه پردازان سرمایه داری در سال های اخیر با توجه به تحولات کشورهای سابق سوسیالیستی، آموزش کارل مارکس را شکست خورده و رسالت آن را پایان یافته اعلام داشتند، ولی این هیاهو و جنجال تبلیغاتی با فروکش کردن گردوغبار "پیروزی سرمایه داری" و با توجه به روند حوادث در این کشورها پایان یافت، و آفتاب حقیقت و حقانیت مارکسیسم از پس ابرهای تیره با درخشش نویی بیرون آمد. تکیه ما بر این آموزش، نه از سر جزم گرایی و قبول این آموزش به مثابه مجموعه احکام خشک و جامد، بلکه تکیه بر آموزشی علمی و تکامل یابنده است که در پیچ و خم مبارزه صیقل یافته و با حرکت زمان و تکامل جوامع بشری تکامل می یابد. به قول لنین علت قدرت بی انتهای آموزش مارکسیسم در درستی آن است. این آموزش با هیچ خرافاتی، با هیچ ارتجاعی و با هیچ

حمایتی از ستم بورژوازی سازگار نیست. این آموزش وارث بهترین اندیشه هایی است که بشر در قرن نوزدهم به صورت فلسفه آلمان، علم اقتصاد انگلستان و سوسیالیسم فرانسه به وجود آورده است. کارل مارکس نادرست بودن نظریه محکوم بودن سرنوشت بشریت به جامعه طبقاتی را به اثبات رساند و اسلوب و شیوه مبارزه برای تغییر آن را پیش روی جامعه بشری قرار داد. آموزش کارل مارکس سلاح قدرتمند طبقه کارگر و تمامی زحمتکشانشان جهان است که در نبرد بی امان خود چیزی جز زنجیرهایشان را از دست نخواهند داد. به قول هاینریش هاینه شاعر بزرگ آلمانی: ".... و اما باید بی پرده اقرار کنم که همین کمونیسم که علیه منافع و علائق من است، جان و دلم را شفته خود کرده است، تا آن اندازه که به من چیره شده است... و در پایان درماندگی آمیخته با گذشت قلبم را در بر می گیرد و فریاد می زند: این اجتماع فرتوت از مدت ها پیش محاکمه و محکوم شده است، پس بگذار تا گسترده شود داد، و از هم بپاشد این دنیای کهنه که در آن پاکی نابوده شده، خودخواهی گسترش یافته و انسان به دست انسان استثمار شده است..."

لغو سیستم تک نرخي ارز

روز چهارشنبه، ۱۴ اردیبهشت، «شورای عالی اقتصاد» که به ریاست رفسنجانی تشکیل جلسه داده بود، به بانک های دولتی اجازه داد تا به فروش دلار به نرخي معادل ۵۰ ریال کمتر از نرخ روز دلار در بازار آزاد، اقدام نمایند. در عین حال بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد که نرخ رسمي خود را با تثبیت «نرخ شناور ارز» در سطح هر دلار معادل ۱۷۴۹ ریال (حدود هزار ریال کمتر از نرخ بازار آزاد) حفظ خواهد کرد. بدین ترتیب دولت جمهوری اسلامی در پی ناتوانی اش در کنترل بازار ارز، دوباره به سیستم دو نرخي ارز گردن نهاد و «سیستم تک نرخي ارز» را ملغی نمود.

خبرگزاری «رویت»، از تهران گزارش داد که به علت بدهی های خارجی رژیم و کاهش درآمد ارزی دولت، میزان دلاری که به نرخ رسمي (شناور) در اختیار وارد کنندگان و موسسات دولتی قرا می گیرد، محدود خواهد بود و فقط به واردات کالاهای اساسی اختصاص خواهد یافت و «اغلب» واردات با نرخ جدید (۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار آزاد) انجام خواهد شد.

بودجه

هنوز به دولت ابلاغ نشده است

روزنامه «سلام»، در شماره ۸ اردیبهشت خود گزارش داد که برخلاف ساهای قبیل «... اکنون که چهل روز از شروع سال گذشته است، لایحه بودجه به دولت ابلاغ نشده و معلوم نیست دولت نیز طبق چه مجوز قانونی اقدام به هزینه می کند؟ لذا این سؤال مطرح است که چرا تا کنون بودجه ابلاغ نشده؟ آیا اشکالی در اعداد و ارقام وجود دارد؟ آیا احتمال تغییر در بودجه وجود دارد...؟

لازم به توضیح است که در آخرین روزهای سال ۱۳۷۲، «لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۳» از تصویب «مجلس شورای اسلامی» گذشت و سپس به تایید «شورای نگهبان» نیز رسید.

فاجعه آموزشی

در رژیم «ولایت فقیه»

چندی قبل وزارت علوم و آموزش عالی آمار مربوط به کنکور ورودی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور را در جزوه ای تحت عنوان «کارنامه آزمون سراسری» منتشر ساخت. بررسی آمار این جزوه نشانگر عمق فاجعه ای است که سیاست های فرهنگی رژیم «ولایت فقیه» طی ۱۵ سال اخیر در مراکز آموزش عالی کشور ایجاد کرده است.

در جزوه مذکور، دو جدول وجود دارد که نشاندهنده وضعیت شرکت کنندگان در «آزمون سراسری» سال ۱۳۷۰ و وضعیت قبول شدگان در این آزمون، براساس معدل دیپلم شرکت کنندگان می باشد. این جداول نشان می دهند که ۵۸۵ نفر از شرکت کنندگان دارای معدل دیپلم ۱۹/۵ تا ۲۰ بوده اند، ولی فقط ۱۹ نفر آنان (۳/۲ درصد) به دانشگاهها راه یافته



نسبت به اهمیت حل اختلافات ایران و آمریکا به عنوان مقدمه تجدید روابط دو کشور مقاعد ساخته است. در صورتیکه خامنه ای قبلاً حاضر به هیچگونه گفتگویی با دولت آمریکا نبود و شرط هرگونه گفتگویی را عدم اعطای امتیاز ایدئولوژیک دانسته و ضمناً خواسته بود که اولین گام در این راه را واشنگتن بردارد.

... خامنه ای به رفسنجانی چراغ سبز نشان داده است که به اختلافات دو کشور بویژه اختلافات مالی پایان دهد تا ایران بتواند سرمایه های مسدود شده خود در آمریکا از زمان شاه ... را بازپس بگیرد ... گفتگوهایی از طریق میانجیگری و وسیله کانالهایی که فاش نشده است، بین مقامات ایرانی و آمریکایی برقرار گردیده است تا مقدمات عادی سازی مناسبات دوجانبه و تجدید آن در آینده ای نزدیک فراهم آید.

... دولت آمریکا کوشش به عمل آورده است که موفقیت رفسنجانی را در مقابل مخالفان تجدید روابط دو کشور تقویت کند ... به گونه ای که فکر عادی سازی روابط بین تهران و واشنگتن این روزها بیشتر از هر وقت دیگری در ایران قابل قبول به نظر می رسد ...

«الوسط» اطلاع یافته است که نتیجه بحث های جاری در ایران در این باره به نفع رفسنجانی تمام شده است و به طوری که منابع آگاه می گویند رفسنجانی هم اکنون در موقعیتی قرار گرفته است که می تواند حرف خود را درباره روابط با آمریکا به خاطر مصلحت ایران بزند. هرچند که او به تدریج بسیاری از مراکز اصلی قدرت و نفوذ خود را از دست می دهد...

آیا مخالفان تجدید روابط ایران و آمریکا سکوت خواهند کرد؟

منابع ایرانی به «الوسط» اظهار داشتند که اگر گفتگوهای غیر مستقیم با آمریکا نتایج رضایت بخشی به بار آورد، خامنه ای شخصاً مراتب حمایت خود را از رفسنجانی اعلام خواهد کرد. حمایت خامنه ای در این جا به منزله شمشیری است که بر گردن مخالفان مسلط خواهد شد، چرا که مخالفان دیگر نمی توانند در برابر آنچه که ولی فقیه خواستار آن است و قصد اجرای آنرا دارد به مقابله برخیزند.

اند. در صورتیکه از بین ۴۷۶۲۵ دیپلمه شرکت کننده با معدل ۱۰ تا ۱۰/۵، ۹۷۸۷ نفر (۲۰/۵ درصد) در «آزمون سراسری» قبول شده اند. همچنین ۵/۵٪ کسانی که معدل دیپلم آنها ۱۹ تا ۱۹/۵ بوده در مقابل ۱۶/۱٪ کسانی که معدل دیپلم آنها بین ۱۰/۵ تا ۱۱ بوده است، در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ وارد دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور شده اند.

و اگر میان درصد قبولی ها و درصد شرکت کنندگان در «آزمون سراسری» برحسب معدل، آمار همبستگی گرفته شود، رقم معادل «۰/۷۸-»، بدست می آید که نشاندهنده رابطه شدیدا منفی میان معدل بالا و احتمال قبول شدن در کنکور می باشد!!

«الوسط»: خامنه ای برای برقراری

رابطه با آمریکا به رفسنجانی

چراغ سبز نشان داده است

مجله «الوسط»، چاپ لندن، اخیراً طی مقاله مفصلی به کوشش های «مقامات تهران» برای «حل» اختلافات خویش با دولت آمریکا پرداخته است که برای اطلاع خوانندگان خود، بخش هایی از آن را نقل می کنیم:

«موضوع عادی سازی روابط ایران و آمریکا یک بار دیگر مورد توجه مقامات تهران قرار گرفته است ... هاشمی رفسنجانی ... خامنه ای ... را

حزب توده ایران ...

دستگیری های اخیر بار دیگر نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی زیانی جز ارعاب، دستگیری، سرکوب، شکنجه و اعدام در برخورد با مخالفان و دکراندیشان نمی شناسد و مصمم است تا با تشدید جو خفقان جلوی جنبش روبه رشد اعتراضی اقشار مختلف مردم را سد نماید. جنایتکاران حاکم پر کشور ما در سال های اخیر هزاران انسان بیگناه، میهن دوست و آزادیخواه را به همین گونه بازداشت، شکنجه و سرانجام به دست جوخه های اعدام سپرده اند. کشتار وحشیانه هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷، بدون رعایت عادی ترین موازین انسانی و حقوقی نشان داد که جنایت و سرکوب جزء جدایی ناپذیر رژیم است که مصمم است تا با استفاده از هر شیوه ای به حیات ضدمردمی خود ادامه دهد.

حزب توده ایران همصدا با تمامی آزادیخواهان کشورمان، این رفتار ضدمردمی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کند و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی میهنمان است. تجربه سال های اخیر نشان داده است که تنها در صورت مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی و آزادیخواه و تنها در صورت سازماندهی يك کارزار وسیع جهانی است که می توان رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. باید هرچه سریعتر کارزار هماهنگ و وسیعی از همبستگی را برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی کشورمان در سراسر جهان سازماندهی کرد. نباید گذاشت تا باردیگر دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی بتوانند راحت و بی سروصدا گروه دیگری از هم میهنان ما را کشتار کنند.

روسیه

کارخانه عظیم اتومبیل سازی «زیل» اولین کارخانه بزرگی که در تابستان گذشته بدست بخش خصوصی سپرده شد، اعلام کرد که ۲۰۰۰۰ کارگر خود را اخراج می کند. «ولادیمیر نوسوف» سخنگوی کمپانی زیل که حدوداً ۸۵۰۰۰ کارگر را در ۱۵ کارخانه خود در استخدام دارد گفت که: «این یک اقتصاد بازار است و ما نمی توانیم تمام کسانی را که در استخدام داریم، نگهداریم». علاوه بر اخراج یک چهارم نیروی کار، کمپانی درصدد است که بیش از ۵۰ مهد کودک و شیرخوارگاه کارخانه را تعطیل نماید. و همچنین به تعهد خود مبنی بر تأمین کلینیک های بهداشتی، سناتوریم ها (استراحتگاه)، امکانات ورزشی و فرهنگی برای کارگران و کارمندان پایان دهد. ایگور آزلخین مسئول سندیکایی در کارخانه زیل در مسکو گفت: «ما فکر می کنیم که این برنامه بازسازی بسیار ظالمانه است، زیرا مدیریت تصمیم گرفته است به جای این که همراه کارمندان خود در جهت موفقیت کارخانه عمل نماید، برای راضی کردن سهامداران اقدام کرده است».

* جدیدترین ارقامی که توسط وزارت اقتصاد روسیه اعلام شده است نشاندهنده نتایج فاجعه بار اقتصادی در سه ماهه اول سال میلادی جاری می باشد. در مقایسه با سه ماهه اول سال ۱۹۹۳، تولید صنعتی ۲۵٪، سرمایه گذاری ۲۸٪ و درآمد مالیاتی ۱۵٪ کاهش داشته است. تولید لباس و کفش بین یک سوم تا ۵۰٪ کاهش داشته است. در گزارش هایی که توسط مطالعات سیاسی و اجتماعی آکادمی علوم روسیه تهیه گردیده است ذکر شده که فقط ۲۵٪ افرادی که در یک نظر خواهی در سراسر روسیه شرکت داشته اند از «اصلاحات» بازار آزاد حمایت می کنند. پنج سال قبل این رقم ۴۰٪ بود. اکثر شرکت کنندگان در نظر خواهی گفتند که برنامه خصوصی کردن صنایع توسط دولت یک «دزدی قانونی» است و فقط «برای منافع دست اندرکاران حکومت و جنایتکاران» در پیش گرفته شده است. در پاسخ به این سؤال که مهمترین مشکل اجتماعی که آن ها را شدیداً نگران کرده است چیست؟ ۶۹٪ مردم روسیه «سقوط استاندارد زندگی» و ۴۷٪ میزان جنایت را ذکر کردند. در پاسخ به این سؤال که «مقصر را چه کسی می دانید؟» ۴۸٪ دولت مستقر در مسکو و ۴۴٪ مقامات محلی را مقصر دانستند.

انگلستان

در انتخابات شوراهای شهر که در ۱۵ اردیبهشت انجام گرفت، حزب حاکم محافظه کار بزرگترین شکست خود را در طول تاریخش متحمل گردید. حزب کارگر که در اپوزیسیون قرار دارد با تثبیت کنترل خود بر نیمی از شوراهای شهر در موقعیتی بسیار قدرتمند قرار گرفت. ۹۳ شورای شهر از ۱۹۶ شهری که نتیجه انتخابات در آن ها اعلام شده است در کنترل حزب کارگر هستند در ۱۹ شهر حزب لیبرال دموکرات در موقعیت برتر است، این در



فلسطین

«حسن مکی» معاون نخست وزیر جرقه ای برای یک جنگ تمام عیار بود که در آن تانک، هواپیما و موشک های اسکاد به کار گرفته شده است.

هشت ماه پس از امضای قرارداد «غزه-اریحا» در ۱۴ اردیبهشت یاسر عرفات و اسحق رابین طی مراسمی در قاهره با امضای اسناد طرح های اجرایی، اولین قدم های عملی برای خاتمه به حضور مستقیم نظامیان و نمایندگان دولت اسرائیل در خاک فلسطین برداشتند. روند صلح از طریق مذاکره در خاورمیانه آن چنان مبهم است که حتی مراسم نهایی در قاهره خالی از اشکال نبود. این اشکالات محصول اختلاف نظر و برداشت طرفین مذاکرات از مفاد قرارداد است. در حالی که تلویزیون های جهان از مراسم فیلم برداری می کردند یاسر عرفات بیش از ۳۵ دقیقه از امضای بخشی از قرارداد که حاوی نقشه های مناطق مورد بحث است خودداری نمود و پس از مداخله و پادرمیانی وارن کریستوفر، با نوشتن جملاتی در روی نقشه و در حاشیه مدارک، آن ها را امضا کرد. رهبر ساف قرارداد را بعنوان «آغاز پایان به اشغال اراضی فلسطین توسط اسرائیل و یک فرصت برای روابط جدید» مورد ستایش قرارداد.

بلافاصله پس از امضای قرارداد مقدمات استقرار نیروی پلیس فلسطینی مرکب از ۹۰۰۰ چریک سابق ارتش آزادیبخش فلسطین در سرزمین های اشغالی شروع گردید. گرچه گروه های رادیکال فلسطینی بلافاصله امضای توافقنامه در قاهره را در ۱۴ اردیبهشت محکوم نمودند و سازمان جهاد اسلامی اعلام کرد که: «آنچه امروز امضا شد صلح نبود. این یک تسلیم کامل به خواست ها و دستورات صهیونیست ها و توجیه جدیدی برای یک جنگ همه جانبه علیه اسرائیل است». با مشاهده استقبال مردم از روند استقرار نیروی نیروی پلیس فلسطینی و خروج نیروهای نظامی اسرائیل این نیروها به مطالعه جدی و تجدید نظر در سیاست های خود نسبت به پروسه صلح از طریق مذاکره، پرداخته اند. فتحی شوقاقتی دبیر کل جهاد اسلامی گفت که: «جهاد اسلامی درک می کند که مواجه با یک واقعیت جدید و در حال تغییر است. ما جهت ارائه یک برنامه موثرتر در حال مطالعه و تجدید ارزیابی هستیم». سخنگویان جنبش مقاومت اسلامی (حماس) نیز در اعلامیه خود به نیروی پلیس فلسطینی خیر مقدم گفت ولی آن ها را فراخواند که رفتار خوبی داشته باشند. در شهر غزه ۲۰۰۰۰ تظاهر کننده فلسطینی در شعارهای خود به پلیس فلسطین خوش آمد گفتند ولی موافقتنامه اسرائیل-ساف را محکوم کردند.

حالیست که حزب محافظه کار فقط کنترل ۱۴ شورای شهری را در دست دارد. تحلیل گران انتخاباتی معتقدند که اگر نتایج این انتخابات محلی در انتخابات پارلمانی که قرار است تا دو سال دیگر انجام شود تکرار گردد حزب کارگر صاحب ۴۱٪ آرا، حزب لیبرال دموکرات ۲۸٪ و حزب محافظه کار ۲۷٪ آرا خواهند بود. نتیجه اسفناک انتخابات برای حزب محافظه کار و وحشت نمایندگان برجسته محافظه کاران از سقوط دولت و عدم اعتماد مردم به نخست وزیر و سیاست های حزب حاکم، برخی از جناح های حزب را واداشته است که خواستار استعفای نخست وزیر «جان میجر» گردند.

موضوعات مهمی که دو جناح را در تقابل قرار می دهد مساله نزدیکی و هم پیوندی در جامعه اروپا و نیز سیاست خصوصی کردن صنایع و مالیات ها می باشد. پیروزی حزب کارگر بعنوان یک حزب سوسیال دموکرات چپ که پیوندهای ارگانیک و قدرتمندی با طبقه کارگر متشکل دارد، هم از نظر داخلی انگلیس و هم به لحاظ تبعات اروپایی و بین المللی آن اهمیت فراوانی دارد.

یمن

موج بدبینی ها و مشاجرات بین رهبران سیاسی کشور و تلاش راست گرایان برای تبدیل امر وحدت دو یمن به الحاق قسمت جنوبی به نیمه شمالی به جنگ تمام عیار و برادر کشی در این کشور منجر گردید. رئیس جمهور علی عبدالله صالح با استفاده از نیروی نظامی حساب های خود را با یمن جنوبی تصفیه می کند. پس از مدت کوتاهی از زمان وحدت دو یمن در سال ۱۳۶۹، محافظه گران یمن شمالی تلاش کردند که با حذف حزب سوسیالیست یمن که قبل از وحدت، رهبری یمن دموکراتیک را بعهده داشت، خود صد درصد کنترل اوضاع را به دست بگیرند. این شیوه عملاً پروسه وحدت را متوقف ساخت. علی رغم اینکه دو یمن پرچم واحد و سرود ملی واحدی دارند، بسیاری از مظاهر ملی دو بخش یمن به همان صورت قبل حفظ گردیده است. در چنین جوی، سوء قصد نافرجام به جان

حراج زمین ها و مراتع کشور به خاطر تأمین مخارج سیاست های سرکوبگرانه!

مجلس شورای اسلامی رژیم در اسفند ماه گذشته به کار بررسی تبصره های لایحه بودجه سال ۷۳ کل کشور پایان داد. لایحه بودجه سال ۷۳، شامل ۵۸ تبصره است که از میان آنها تبصره های ۵۴ به فروش زمین ها، مراتع و جنگل های موضوع لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی سال ۱۳۵۹ به منظور ایجاد درآمد برای دولت، و تبصره ۵۵ به چگونگی استفاده از این درآمدها از سوی دولت اختصاص یافته است. وجود همین دو تبصره به تنهایی گویای ماهیت ارتجاعی برنامه پنجساله دوم رژیم و تلاش آن برای چوب حراج زدن به آخرین بقایای دستاوردهای انقلاب بهمن ۵۷ است.

تبصره ۵۴ لایحه بودجه

برای درک ماهیت ارتجاعی این تبصره لازم است به خلاصه متن آن نظری بیافکنیم. تبصره ۵۴ بدین شکل به تایید مجلس شورای اسلامی رژیم رسیده است:

« الف - به وزارت جهاد سازندگی اجازه داده می شود:

۱- اراضی موضوع ماده ۳۱ قانون اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۲/۳۱ شورای انقلاب ... را پس از بهره برداری به قیمت منطقه ای به فروش رسانده و درآمد حاصله را به حساب درآمد عمومی ردیف ... واریز نماید.

۲- اراضی موضوع ماده ۳۲ قانون اصلاح لایحه قانونی واگذاری احیای اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۲/۳۱ شورای انقلاب ... را در مناطق محروم روستایی به قیمت منطقه ای و در شهرهای غیر مراکز استان ... به قیمت کارشناسی و در سایر شهرها و مراکز استان ها به قیمت روز به فروش رسانده و درآمد حاصله را به حساب درآمد عمومی ردیف ... واریز نماید.

۳- درآمد حاصله از اجرای قانون اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور را به حساب درآمد عمومی ردیف ... واریز نماید.

۴- ...
ب - به وزارت کشاورزی اجازه داده می شود:

۱- اراضی موضوع لایحه قانونی نحوه واگذاری و احیای اراضی و آیین نامه اجرایی مربوطه مصوب سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب که به تعاونی های مشاع واگذار شده یا می شود را

بر مبنای بیست و پنج درصد قیمت ارزیابی روز طی اقساط حداکثر پنجساله به فروش رسانده و درآمد حاصله را به حساب درآمد عمومی ردیف ... واریز نماید.

۲- «...»

ماهیت ارتجاعی مواد این تبصره چنان آشکار است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد. کاملاً روشن است که سردمداران رژیم با اضافه کردن این تبصره به لایحه بودجه سال ۷۳، در صددند که آخرین میخ را هم به تابوت قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب بکوبند و زمین های متعلق به تعاونی های روستایی، شهرک های مسکونی و حتی جنگل ها و مراتع کشور را نیز به بخش خصوصی واگذار کنند. از رژیمی که امروز حتی به خصوصی کردن اتوبان های کشور پرداخته است جز این نیز نمی توان انتظار داشت.

تبصره ۵۵ لایحه بودجه

اما این اشتباه محض خواهد بود اگر تصور شود که این سیاست ضد مردمی خصوصی کردن زمین های واگذار شده به زحمتکشان، هدف کمک به رشد اقتصادی کشور [!]، حتی در چارچوب خوشبینانه کمک به رشد سرمایه داری داخلی، را دنبال می کند. نگاهی به تبصره ۵۵ لایحه بودجه سال ۷۳، که به چگونگی مصرف درآمدهای حاصله از این سیاست ارتجاعی مربوط می شود، نشان می دهد که سیاست خصوصی کردن منابع اقتصادی متعلق به همه مردم کشور، تنها در خدمت هدف ارتجاعی تر تأمین مخارج سیاست های سرکوب رژیم قرار گرفته است. به خلاصه متن تبصره ۵۵ قانون بودجه سال ۷۳ توجه می کنیم:

« تبصره ۵۵ - به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی و محرومیت زدایی و تلاش در جهت خودکفایی کشور، کمیته تخصیص اعتبار مکلف است به هنگام تخصیص اعتبار، یک درصد از سرجمع درآمد عمومی سال ۱۳۷۳ کل کشور به استثنای مبالغی که تا این تبصره تعیین تکلیف گردیده و اعتبارات فصول آموزش و پرورش عمومی، آموزش عالی و تحقیقات، بهداشت، درمان، تغذیه و دفاع را کسر و به ردیف های زیر اضافه نماید:

۱- شصت درصد از مبلغ مذکور به ردیف ۱۱۴۰۰۰ وزارت ارشاد اسلامی اختصاص داده می شود تا ... مشخصاً برای مقابله با تهاجم فرهنگی جهت اجرای طرح های فراگیر هزینه گردد.

۲- سیزده درصد از مبلغ مذکور جهت تسریع در اجرای طرح های فصول کشاورزی، منابع طبیعی و عمران روستاها [بخوانید: طرح های مربوط به خصوصی کردن] ... به ردیف وزارتخانه های کشاورزی و جهاد سازندگی اضافه گردد.

۳- چهارده درصد از مبلغ مذکور جهت اجرای طرح های عمرانی به اعتبارات عمرانی مناطق محروم ... اضافه شود.

۴- سه درصد از مبلغ مذکور جهت توسعه تحقیقات و پژوهش های کاربردی به اعتبارات مربوط به وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اضافه شود.

۵- ده درصد از مبلغ مذکور جهت ایجاد فرصت های شغلی به ردیف ۱۱۲۵۰۲ حمایت از فرصت های شغلی اضافه شود.

۶- «...»

ذکر چند نکته در مورد این تبصره عمیقاً ضد مردمی ضروری است. نخست اینکه این هزینه ها از محل کسریک درصد از «سرجمع درآمد عمومی سال ۷۳ کل کشور» و نه صرفاً از محل درآمد حاصله از حراج زمین ها و مراتع کشور تأمین می شوند.

دوم، بر اساس این تبصره، ۶۰ درصد از کل این مبلغ صرف انجام «طرح های فراگیر» برای پیشبرد سیاست سرکوبگرانه «مقابله با تهاجم فرهنگی» خواهد شد و در مقابل تنها چهارده درصد برای هزینه های عمرانی، سه درصد برای توسعه تحقیقات و پژوهش های علمی، و ده درصد برای «ایجاد فرصت های شغلی» اختصاص خواهد یافت!

سوم، نگاهی به قدر مطلق ارقام اختصاص یافته، ابعاد این سیاست فاجعه بار را روشن تر می کند. نشریه «کار و کارگر» در شماره ۱۹ اسفند ۷۲ خود، قدر مطلق رقم اختصاص داده شده به «ایجاد فرصت های شغلی» در بودجه ۱۳۷۳ را معادل «۵۰ میلیارد ریال» اعلام کرده است. با این حساب می توان گفت که بر اساس تبصره ۵۵، تنها در سال ۱۳۷۳، رقمی معادل ۳۰۰ میلیارد ریال از «سرجمع درآمد عمومی سال ۷۳ کل کشور» به مصرف اجرای «طرح های فراگیر مقابله با تهاجم فرهنگی» خواهد رسید! و این در حالی است که رژیم حتی از پرداخت قسط وام های کوتاه مدت بین المللی خود عاجز است و هر روز دست دیروزگی خود را به سوی سرمایه داران غربی و نهادهای بین المللی مجری سیاست های آنها، نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، درازتر می کند.

شوخی دردناکی است ولی باید پذیرفت که هیچ زمانی به اندازه امروز ضرب المثل قدیمی «النگ، النگ، از دست شیر، گیر پلنگ» برای مردم ایران این چنین مصداق عینی و واقعی نداشته است!

نامه رفیق علی خاوری به دبیر کل سازمان ملل متحد

آقای پطروس گالی
دبیر کل سازمان ملل متحد
نیویورک - آمریکا

همانطوری که مطلع اید، مسئله سرکوب حقوق بشر، توسط حکومت جمهوری اسلامی ایران، یکی از موضوع های مهم مورد بحث در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در چند سال گذشته بوده است. علی رغم قطعنامه های مختلف این کمیسیون حکومت جمهوری اسلامی ایران رسماً اعلام کرده است که خود را مجاز می داند، تا به سیاست های سرکوب، دستگیری بدون مجوز قانونی شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی ادامه دهد.

این سیاست ها در هفته های گذشته، در شکل ربودن، شکنجه و قتل یک دانشجوی مبارز و دستگیری گروهی از مخالفان، از جمله آقای سعیدی سیرجانی، نویسنده و شاعر، و آقایان ختنی و نیازی کرمانی بار دیگر خود را بروز داده است.

افزون بر این و علی رغم کشتار هزاران زندانی سیاسی در زندان های ایران که بر اساس گزارش های موجود، تنها در تابستان سال ۱۹۸۸، به بیش از پنج هزار تن بالغ شد، هنوز تعداد قابل ملاحظه ای زندانی سیاسی در کشور ما وجود دارد. از جمله این زندانیان محمد علی عمویی (عضو هیئت سیاسی حزب توده ایران تا هنگام دستگیری در سال ۱۳۶۲) بیش از بیست و پنج سال از عمر خود را در زندان های شاه سپری کرده است و اکنون نیز یازده سال است که در شرایط شکنجه، آزار و اذیت در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برد. تعدادی از زندانیان سیاسی در وضع بسیار بد و با بیماری های گوناگون که حاصل سال ها شکنجه وحشتناک است، همچنان در زندان اسیر می باشند، که از جمله می توان به مریم فیروز، هفتاد ساله (عضو هیئت سیاسی حزب توده ایران تا هنگام دستگیری در سال ۱۳۶۲) و نورالدین کیانوری (دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران تا هنگام دستگیری در سال ۱۳۶۲) اشاره کرد. این افراد علی رغم کهولت سن و بیماری بیش از یازده سال است که در زندان بسر می برند و در دیدار با آقای کالیندویل فرستاده ویژه سازمان ملل متحد، به روشنی از شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی به منظور وادار کردن آنان به "اعتراف" در زندان های جمهوری اسلامی سخن گفته اند. نورالدین کیانوری نامه مفصلي پیرامون این رفتار در اختیار آقای کالیندویل قرار داده است که تا این لحظه به دلایل نامعلومی انتشار نیافته است.

انتظار همه نیروهای آزادیخواه و طرفدار حقوق بشر این است که سازمان ملل متحد به وظیفه خود در زمینه دفاع از منشور جهانی حقوق بشر بدور از ملاحظات سیاسی و با قاطعیت عمل کند. بی تفاوتی سازمان ملل متحد خصوصاً کمیسیون حقوق بشر آن نسبت به ادامه نقض جدی آزادیها و حقوق بشر در ایران بی شک می تواند مشوق مجریان اقدامات سرکوبگرانه و نقض هرچه بیشتر حقوق بشر در مین ما باشد.

با تقدیم احترام

از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران

علی خاوری

۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۳

(۱۷ ماه مه ۱۹۹۴)

به یاد او که فسیلانه

و اجتماعی تطبیق نمی کند... من نسبت به آن رژیم تفرع عمیق و آشتی ناپذیر پیدا کرده ام که به قیمت بدبختی، فقر، گرسنگی و محرومیت هبده میلیون نفر از افراد ملت، همه مواهب زندگی را برای هزار خانواده ممتاز تامین کرده است... (از آخرین دفاعیات خسرو روزبه).

این سخنان حکیمانه، پرشور و دلورانه انسان مبارزی است که سی و شش سال پیش مرگ سرخ از جوخه اعدام حکومت استبدادی شاه را بر زندگی «آرام و بی دغدغه» ترجیح داد و آزاد و سربلند به کاروان عظیم شهدای راه آزادی میهنمان پیوست و ستاره ای درخشان شد که همچنان برتارک تاریخ غرورآمیز حزب قهرمانش می درخشد.

دفاعیات درخشان روزبه در بیدادگاه شاهنشاهی به سند کوبنده ای در محکومیت ارتجاع وابسته به امپریالیسم بدل گردید و نام روزبه و روش انسانی و انقلابی او کرامبخش قلب های صدها مبارز دلاوری شد که دریی او آمدند و راه او را تا پیروزی نهایی جنبش خلق و سرنگونی استبداد شاهنشاهی ادامه دادند.

روزبه مبارزی آگاه و روشن بود. او خوب می دانست که دفاع از حزب توده ایران در دادگاه نظامی معنایی جز مرگ ندارد، با این وجود آنگاه که هنگام آزمون دشوار انتخاب میان مرگ و زندگی رسید، با استواری کم نظیری در چشمان جلادان دادگاه نظامی نگاه کرد و با صدایی رسا که به غرش تندی در دل سرما و تاریکی می ماند، اعلام کرد: "من به اقتضای آتشی که به خاطر خلقهای ایران در درون سینه ام شعله می کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم..." (همانجا).

در سحرگاه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ به سراغش رفتند. به کمک عصا راه می رفت، با سری بلند و صدایی محکم و مطمئن به طرف جوخه اعدام رفت. نکذاشت چشمانش را ببندند: من از مرگ نمی ترسم، چشم در چشم دژخیمان: آزموده، بختیار، مبصر، زیبایی و امجدی انداخت. خائنین از شرم سر بزیر انداختند. صدای رسا و محکم او سکوت غمناک سحرگاهان را در هم شکست و همچون پیکان تیزی قلب دشمن خلق را نشانه رفت. وظیفه من به پایان رسید. زنده باد حزب توده ایران! زنده باد کمونیسم! و آنگاه خطاب به جوخه: آتش!

و بدین سان باردیکر ارتجاع فاسد و جنایتکار انسان شریف و دلاوری نستوه را دزدانه از خلق ما ربود ولی فریاد رسای خسرو روزبه طوفان سهمگینی شد که سرانجام طومار رژیم وابسته شاهنشاهی را درهم نوردید.

یادش کرامی و جاودانه باد!

آفریقای جنوبی ...

برجسته اتحادیه های کارگری بعنوان وزیر مشاور در امر پیاده کردن برنامه بازسازی و توسعه انجام وظیفه خواهد کرد. از ۲۷ مقام وزارت کنگره ملی آفریقا ۱۸ وزیر، حزب ملی ۶ وزیر و حزب آزادی اینکاتا ۳ وزیر خواهند داشت و از ۱۲ معاون وزیر ۸ نفر به انتخاب کنگره ملی آفریقا، ۳ نفر به انتخاب حزب ملی و یک نفر از حزب آزادی اینکاتا خواهد بود. اولین قدم های دولت جدید در افتتاح سفارت آنگولا، تجدید رابطه با کوبای انقلابی و نیز اعلام دولت به مصمم بودن پیوستن به جرگه کشورهای مشترک المنافع و نیز بازپس گیری کرسی آن در سازمان ملل از شروعی مبارک و متعادل حکایت می کند.

آفریقای جنوبی:

«قدرت برای مردم»

مردم آفریقای جنوبی با گام های بلند، استوار و اصولی حرکت تاریخی خود را به سوی استقرار نظمی نوین و دموکراتیک دنبال می کنند. در پی اعلام نتایج نهایی انتخابات عمومی کشور و کسب اکثریت قاطع ۶۲/۶۵ درصد آرا توسط کنگره ملی آفریقا در ۱۹ اردیبهشت طی اولین اجلاس پارلمان جدید نلسون ماندلا زندانی سیاسی پیشین و قهرمان جنبش ضد نژاد پرستی را بدون هیچ رقابتی به سمت رئیس جمهور انتخاب کرد. نتایج نهایی انتخابات حاکی از آن است که ۲۵۲ نماینده پارلمان وابسته به ائتلاف سه جانبه کنگره ملی آفریقا، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی می باشند. حزب ملی به رهبری دکلرک دارای ۲۰/۳ درصد آرا و ۸۲ نماینده و حزب آزادی اینکاتا به رهبری گاتاشا بوتلزی با ۱۰ درصد آرا دارای ۴۳ عضو در پارلمان شرکت خواهد جست.

نلسون ماندلا در پایان مراسم پارلمان و انتخاب به سمت ریاست جمهوری با رای یکپارچه ۴۰۰ عضو پارلمان جدید، از بالکن تالار شهر کیپ تاون سخنرانی کرد. او ضمن یادآوری زمینه انقلابی که از درون آن پیروزی کنگره ملی آفریقا و متحدان آن حاصل شده است، اهمیت اصلاحات اقتصادی-اجتماعی را مورد تأیید قرارداد و گفت «اگر مردم خواستار تغییر باشند، تغییر آن چیزی است که آن ها بدست خواهند آورد». وی از جزیره روبین، زندان مخوفی که از بندر کیپ تاون قابل رویت است و او بیشترین مدت از ۲۷ سال محکومیت خود را در آن بسر برده است، سخن گفت: «جزیره روبین سیاهچالی به منظور خفه کردن روح آزادی بوده که قدمتی به اندازه خود استعمار داشته است. نام آن هایی که در آنجا زندانی بودند یک فهرست بلند حضور و غیاب مقاومت است. اگر این جا «دماغه امید نیک» است، اساسا مدیون روح مقاومت آن ها می باشد». نلسون ماندلا اضافه کرد: «ما باید زخم های گذشته را درمان نموده و یک نظم جدید را برپایه عدالت برای همه مستقر کنیم».

یکروز پس از این سخنان، نلسون ماندلا در

مراسمی با حضور بیش از ۶۰۰۰ میهمان رسمی از جمله رهبران عالیترتبه اکثر کشورهای جهان و در میان پایکوبی بیش از ۱۵۰/۰۰۰ نفر از مردم کشور، بعنوان اولین رئیس جمهور آفریقای جنوبی دموکراتیک سوگند وفاداری به قانون اساسی یاد کرد. دو مهنوا، یکی سیاه پوست و دیگری سفید پوست، پرچم جدید آفریقای جنوبی را برافراشتند و مداحان بومی در لباس سنتی خود ضمن آرزوی موفقیت برای نلسون ماندلا یاد رهبران فقید جنبش نژاد پرستی نظیر اولیور تامبو و کریس هانی را گرامی داشتند. در اقدامی سمبلیک برای نشان دادن احترام سیستم جدید به عقاید گوناگون، رهبران مذهبی جوامع مسلمان، هندو، کلیسی و مسیحی کشور با خواندن بخش هایی از کتب مقدس خود برای موفقیت نلسون ماندلا و دولت جدید دعا کردند و آنگاه جمعیت با فریادهای «آماندلا اوتو» (قدرت برای مردم) غریو شادی سردادند. نلسون ماندلا در سخنان خود پس از ادای سوگند وفاداری خطاب به حاضران گفت: «از بطن تجربه یک فاجعه انسانی فوق العاده که برای زمانی بس طولانی ادامه داشت، یک جامعه ای باید متولد شود که تمامی انسانیت به آن افتخار کند». او ضمن اشاره به حضور میهمانان بین المللی حاضر که وسیع ترین گردهمای رهبران کشورهای جهان در تاریخ را تشکیل می دادند گفت: «تمام این را، هم به خودمان و هم به جهانیان مدیون هستیم». نلسون ماندلا گفت خوشوقت است از این که در چنین روزی خاطره تمامی آن قهرمانان زن و مردی که در این کشور و در خارج جان خود را در راه مبارزه برای آزادی از دست داده اند گرامی بدارد. امروز رویای آنان به واقعیت پیوسته است». او در اشاره به اهمیت نقش زنان در جنبش چندین بار تأکید کرد که آرزو دارد یک جامعه فارغ از ستم نژادی و ستم جنسی برپا کند که «فضیلت های همگانی صلح و شرف انسانی برآن حکمفرما باشد». او اضافه کرد خواهان پیوستن به یک «میثاق با مردم برای ساختن یک جامعه نوین عادلانه می باشد... ما خود را متعهد می دانیم که مردمان را از فقر و تبعیض جنسی، نژادی و دیگر انواع خلاص کنیم... اکنون که آفریقای جنوبی از دره تاریک و سیاهی

خلاص شده است هرگز، هرگز و هرگز دوباره نباید وضعی بوجود آید که این سرزمین زیبا توسط یک نژاد مورد تعدی و ظلم قرار گیرد».

با پایان مراسم جشن و سرور به مناسبت پیروزی تاریخی نیروهای مردمی، توجه همه متوجه برنامه بازسازی و تجدید حیات دموکراتیک جامعه و دولتی می شود که نلسون ماندلا برای انجام آن انتخاب شده است. در عمل تعیین کابینه به یکی از حساس ترین گام های نخستین رئیس جمهور جدید تبدیل شد. او در عین اینکه می بایست اعتماد همه بخش های جامعه آفریقای جنوبی را همانطور که قول داده بود جلب کند نمی توانست بهانه ای به کشورهای رهبری کننده «نظم نوین جهانی» بدهد تا آن ها بتوانند سیاست های علنی و پشت پرده خود دست به خرابکاری و کارشکنی در امر بازسازی کشور بزنند.

و این ها همه می باید بدون روی برتافتن از وظایف اصلی و تعهدات پایه ای در رشته کردن بی عدالتی و فقر صورت گیرد. نلسون ماندلا بدرستی نشان داده است که او مصمم است ائتلاف سه گانه کنگره ملی آفریقای جنوبی، حزب کمونیست و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری را مستحکم تر نماید که بعنوان ستون فقرات تلاش برای بازسازی کشور ایفای نقش نماید.

اعلام اولین برگماری ها به کابینه ماندلا منعکس کننده خواست او در حصول یک توازن بین گروه های گوناگون و همچنین بین رهبران قدیمی کنگره ملی آفریقا و نسل جوان آن می باشد. انتخاب «تابو مابکی» که سال های دراز صدر ملی کنگره ملی آفریقا بوده است، به سمت معاون اول ریاست جمهور نمایشگر اهمیتی است که ماندلا و کنگره ملی آفریقا به حفظ و توسعه همبستگی جهانی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی می دهند. مابکی که ۵۱ سال دارد برای سال ها بعنوان سفیر کنگره ملی آفریقا در انگلستان، بوتسوانا، سوازیلند، نیجیریه و زامبیا نقش کلیدی را در تحکیم روابط دیپلماتیک جنبش آزادیبخش بازی کرد. الفرد نزو دبیر کل قبلی کنگره ملی آفریقا به سمت وزیر خارجه دولت جدید انتخاب گردید. فهرست وزرا کاملاً مشخص می کند که نلسون ماندلا سعی به برجسته کردن نقش آحاد دیگر ائتلاف سه گانه داشته است. کابینه جدید شامل چندین عضو برجسته حزب کمونیست آفریقای جنوبی می باشد. صدر حزب، رفیق جواسلوو پست بسیار با اهمیت وزارت مسکن و رفاه عمومی را بعهده دارد. «جومودیس» فرمانده پیشین شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا، وزیر دفاع خواهد بود. «جی نایدو» رهبر

ادامه در ص ۷

کمک های مالی رسیده:

روزبه به یاد دکتر احمد و عسگر دانش ۱۰۰ مارک
 ننه ۱۰۰۰ مارک
 رفقای برلین ۴۳۰ مارک
 رفیقی از بن ۱۰۰ مارک

رفقا، دوستان و هواداران حزب می توانند برای تماس با حزب از شماره فاکس: ۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ (آلمان - برلین) استفاده نمایند

NAMEH MARDOM

NO ; 428

May 24 , 1994

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

نامهء مردم